



عکس از: رشدید شهرت

ذرتشت

عارف قزوینی

به نام آن که در شانش کتاب است
چراغ راه دینش آفتاب است
مهین دستور دربار خدایی
دو تا گردیده چرخ پیر را پشت
پی پوزش به پیش نام زرتشت
به زیر سایه نامش توانی
رسید از نو به دور باستانی
ز هاتف بشنود هر کس پیامش
چو عارف جان کند قربان نامش
شقق چون سر زند هر بامدادش
پی تعظیم خور، شادم یادش
چون گردوست داری کشور خویش
ستایش باید پیغمبر خویش
که خود بنیان کن دیو دروغ است
درا چشم عقل، آن دین را فروغ است
در آتشکده دل بر تو بیاز است
در آکاین خانه سوز و گداز است
هر آن دل که نیاشد شعله افروز
به حال ملک و ملت نیست دلسوز
دراین آتش اگر مامن گزینی
گلستان چون خلیل، ایران بینی
دراین کشور چوشداین شعله خاموش
فنا دیگر ملیت هم از جوش
چنان یکسر سرایابی مرا سوخت
که باید سوختن را زمن آموخت
اگرچه ازمن بمجزا کسترنیست
برای گرمی یک قرن کافی است
چو اندر خاک خفتم زود یا
دیر توانی جست از آن خاکستر، اکیر
به دنیا پس همین یک افتخارم
که یک کایرانی والابارم
به خون دل نیم زین زیست، شادم
که زردشتبی بود خون و نژادم
در دل باز چون گوش تصوراه
بود مسدود، باید قصه کوتاه
کنونت نیست چون گوش شنفت
مرا هم گفته ها باید نهفت
پسی اسرار در دل مانده مستور
که بی تردید بایستی برم گور

اشوزرتشت پیام آور خردورز و نیک آین

نیکش پس از پدر در گسترش آموزه های نیک و برقراری راستی کوشیدند.
زرتشت نخستین آموزگار راستینی بود که در سرزمین پهناور ایران به مردمان آرایی آموخت که یگانه دنای بزرگ هستی بخش، خداوند خالق جهان و جهانیان است و جز به راستی و نیکی راهی برای خشودی او نیست.

گاتها کلام آهنگی است که حاصل منش ژرف آن پیامبر بزرگ را از پس هزاره ها برای مردمان جاودانه ساخته تا نیک بیندیشن، نیک بگویند و نیک عمل کنند و راستی را گسترش دهند تا راه به نظم جاری در خلقت برند و خالق یگانه اش را دریابند.
پنجم دیمههادمان در گذشت آن بزرگمرد آرایی است که آین و آموزه هایش به گواه راستین بودنش همواره برای مردمان خردورز و راستین، جاودانه است.

نیکاندیشی در هستی بنگرد و آزاد و آگاه راه خویش را برگزیند و بیش از فرا رسیدن روز و اپسین، آن را گسترش دهد، چرا که صاحب خرد نیک، جز نیکی نخواهد گزید.
زرتشت هستی بخش جهان است، نادانه. پس در میانه جوانی به یاری خداوند و رهمنون اندیشه والا و نیک که همان «وهومه» خوانیم ش بر آن شد تا به آدمیان بیاموزد که اگر نیک بیندیشن و نیک به زبان آورند حاصلش نیک کرداری است. نیک کرداری همانا برپایه اثنا و نظم هستی است و ثمرش آبادی است و خوشبختی را برای آدمیان ارمغان داشتن که این خود واسطه خوشبختی هر انسانی است.
او فرمود که «راه در جهان یکی است و آن

او پاداش نیکان را گروسمان که همان سرای جاودان روشی و آرامش است دانست و پادفراه بد کاران را جز دوزخ که سرای تیرگی هاست ندانست.
زرتشت اسپتمن در جوانی با بانوی نیکو به نام هوی پیمان همسری بست و فرزندان

به لبخندی چشم بر گیتی گشود و سرآغاز زندگانی اش جز گریه نوزادان بود. در دامان بانوی پاکدامن به نام دغدو پرورد و بالید. پدرش پورو شسب از خاندان اسپتمن بود. نام این کودک زیاروی خوش چهر را زرتشت برگزیدند، که به چم ستاره زرین است و دارای شتر زرد که نشان برکت و ثروت است. زرتشت اسپتمن در اوان جوانی خردورزی فرهیخته بود که اندیشه و نیک اندیشیدن را یگانه راهنمای دریافت هستی و هستی بخش یافت. چنان در خلقت کاوید و پویید، که به اشا، همان نظم و منجار شگرف نهان در ذرات هستی پی برد و از پس سال ها پرسش و پاسخ به یاری اندیشه ای ژرف و نیک راه به آن یگانه هستی بخشی برد که چنان نظمی تنها در جکمت او می گنجد و به اراده او برقرار است.
زرتشت اسپتمن چون در اندیشه، گفتار و

باور به پیامبری اشوزرتشت

مهرزاد کاویانی

۴-الهامی بودن سخنان اشوزرتشت «سراسر اندیشه و گفتار و کردار نیک اشوزرتشت الهامی است از سوی خداوند یکتا» یا در هات ۲۸ بند ۱۱ می خوانیم «ای آفریننده بزرگ و دانا از راه خرد و منش و الهام راز پدید آمدن آفرینش را در روز ازل به من یاموز تا حقیقت را بر مردم جهان آشکار سازم» در تکید این دو بند در هات ۳۱ آمده است «ای خداوند خرد مرزا تمام این حقایق آگاه ساز و با گفتار الهام بخش خود مراروشن نماینده مردم را با آین راستی ارشاد کنم» در پایان این بند روان آفرینش به اهورامزدا می گوید ای دنای مطلق ما همگی اشوزرتشت را شایسته ترین فرزند تو دانسته و او را به رهبری و سوری خویش قبول داریم، به همین دلیل سخنان اشوزرتشت را الهام بخش و وحی آسمانی می شمریم.

و سیز و چپاول و غارت که جهان را فرا گرفته بایستد، اهورامزدا، اشوزرتشت را به عنوان تنها کسی که آموزش های او را در کرده است به پیامبری برمی گزیند.

پیامبری که تنها با تکیه بر نیرو و توانایی مینوی خویش که از در ک آموزش های اهورامزدا کسب نموده در این راه گام می نهد.

۳- عامل به پیامبری رسیدن اشوزرتشت روان آفرینش در برابر گرینش اشوزرتشت نخست بانگ بر می دارد که مرآ آرزومند سردار نیرومندی بود که با توان و سپاه نیرومندش در مقابل بدیها بایستد. ولی اشوزرتشت تنها به واسطه اینکه آموزش های راستین اهورامزدا را در کرده بود و همانطور که در این بند روان آفرینش آرزو می کند و همین (اندیشه پاک) و اشراحتی دو بازوی توانمند او بودند در راه پیامبری.

چنانچه در بند ۹ از هات ۴۶ از اشوزرتشت به عنوان «نخستین آموزگاری که به ما آموخت، تنها تو را ای پروردگار شایسته ترین ذات مورد ستایش بشناسیم» نام برده شده است یا در بند ۱۱ از هات ۴۶ اشوزرتشت می فرماید: «پروردگاری می دانم که تو مرآ برای این کار بزرگ (راهنمایی مردم) به عنوان نخستین آموزگار برگزیده ای» و در تایید این گفتار در بند سوم از هات ۲۸ آمده است «اکنون سروده هایی می سرایم که کسی پیش از این نسروده است».

۲- نیاز به پیامبری اشوزرتشت هات ۲۹ گاهان به زیبایی بیان گر فلسفه نیاز به پیامبری اشوزرتشت می باشد در ابتدای هات، روان آفرینش به نمایندگی از روان تمام آرزویه های اهورایی آرزوی نجات بخشی و رهبری را می نماید که در مقابل بدی هایی نظری خشم بوده است.

۱- اشوزرتشت نخستین آموزگار و رهبر بشر اندیشه و هوش و خرد سرشار باشد و آسایش نکات با ارزشی در مورد پیامبری اشوزرتشت در این بند نهفته است. «ای اهورامزدا و از نیروی رهبری خویش می پذیریم». هات ۲۹ بند ۱۰ در این بند روان آفرینش از اهورامزدا برای اشوزرتشت و پیامبری از ریزترین ذرات ایستار و از نیروی که بر راستی و حقیقت اشا استوار و از نیروی اندیشه و هوش و خرد سرشار باشد و آسایش و آرامش و صلح را برای جهانیان به بار بیاورد. نکات با ارزشی در مورد پیامبری اشوزرتشت در این بند نهفته است.

ای اهورامزدا و از نیروی رهبری خویش می پذیریم. هات ۲۹ بند ۱۰ در این بند نهفته است.

باور به قانون اشا (راستی، پاکی و هنجار هستی)

فریبا مالی

و جدان بیدار و با خرد و بخش، رستگار گشته و به سوی هستی بخش دانا راه می یابد. در بیت سوم: بشود که با ثمره کلام مقدس و با نیروی بیان، گمراهان را به برترین راه که همان راه راستی و یکتا پرستی است رهبری کنم. مانتره، اندیشه برانگیز و کلام مقدس است و بیان شیوا به همراه دارد زیرا اشوزرتشت با آفریننده ای که جلوه گاه اشا و هنجار هستی است همگام شده و با خرد مزدا به اوج خرد و بیشن راه یافته و فرمان سروش جسم و جانش را فرا گرفته است، البته که او آموزگاری جاودانه خواهد بود و با بیان رسا اندیشه ها را تکان می دهد و جهانیان را از کاستی ها رهایی می بخشد.

اوست کسی که از نیروی خرد خویش راستی بیافرید (۳۱ بند ۷)، اهورامزدا برترانه هستی ها و او را راستی هم گام و هم اراده می داند. (هات ۲۸ بند ۸ و ۲۹ بند ۷) بدین منظور که رکجا راستی و پاکی باشد نور ایزدی جلوه گر خواهد بود. در بیت دوم: آیا با فرمانتداری از ندای و جدان و فرمان اهورایی به سوی هستی بخش دانا و توان راه خواهم یافت؟ و اژه سروش از ریشه ای سرو STU به معنی گوش دادن و شنیدن، گوش به فرمان اهورایی دادن و پیروی از ندای و جدان. پس سروش راهی است که به اهورامزدای توانا می رود. و آن راه رستگاری است. بنا براین پیامبر با گوش دادن به فرمان ایزدی و

و هو به معنی نیک و خوب و منه به معنی منش و آگاهی، و همین به معنی بهترین و کاملترین اندیشه است. این اندیشه نیک است که انسان را آگاه می سازد تا رازهای جهان را به خوبی بشناسد و در اندیشه پروراند و با گفتار و کردار آشکار سازد. از منش نیک است که خدای خود رامی جوید. ای مزدا من می کوش تا در پرتو خرد پاک، تو را آفریننده همه چیز بدانم (هات ۴۴ بند ۷). اشوزرتشت آنطور که آرزو دارد با داشتن الهی و خرد واقعی اهورامزدا را می یابد و می گوید مزدا اهورا با پاک منشی پیوسته و یکسان است (هات ۳۲ بند ۲). اوست که در روز نخست از خرد خویش، پسر و دین و نیروی اندیشه آفرید. (۳۱ بند ۱۱) و

اشوزرتشت در هات ۲۸ بند ۵، می فرماید: «ای اشا کی به زیارت تو نایل خواهم شد؟» اشا به معنی راستی، نظم، هنجار و همانگی است. قانون ایزدی که آفرینش برآن استوار تمام پدیده های هستی از ریزترین ذرات تا بزرگترین که کشان ها را با نظمی شگفت انگیز سرو سامان داده، با یکدیگر همکار و همکام کرده به پیش می برد و تکامل می بخشد. اشا یگانه آموزگار دین (و جدان) و نفس درونی است (هات ۳۳ بند ۱۳)، پیامبر خواستش را دادمه می دهد: ای و همین آیا با دانش الهی و خرد واقعی تو را خواهم شناخت؟

باور به امشاسبندان یا هفت پایه عرفان زرتشتی

بهنار نعیم آبادی

مینو نامیده می شود و نگهبان انسان است. وُهُوْمَهْ (اندیشه نیک)؛ امروزه به آن بهمن می گویند و به چم بهترین پارسایی که نگهبان آتش است. اشَهَوَهِيَشَتَهْ (بهترین راستی)؛ فارسی آن اردبیهشت است به چم بهترین پارسایی که نگهبان آتش است. خشتره و ئیریه (توانایی و قدرت)؛ چهارمین فروزه اهورامزدا که همان شهریور در زبان فارسی سپتنه آرمائیتی (مهر و فرودنی)؛ سپتامن مذواخر فارسی آن است به چم عشق و محبت و نگهبان زمین است. هئوروتات (کمال و رسایی)؛ در زبان فارسی به خداد تبدیل شده است به چم تندترستی و نگهبان آب است. امِرات (بی مرگی)؛ همان امرداد و مرداد در بیشتر جاها به آمده در اوستار خداد و امرداد در بیشتر جاها به آمده کمال و خودشناسی است. اهورامزدایه انسان چنین فروزه هایی بخشدیده است تا بتواند بایفاگری کشیده باشد. خدای یکان کامل گشته، به کمال یکتازدیگر شده و رستگار گردد. «که هر هفت یکسان اندیشنده، هر هفت یکسان سخن گویند، هر هفت یکسان عمل کنند، که در اندیشه یکسان، در گفتار یکسان، در کردار یکسانند و همه را یک سرور است، اوست شناخت اهورامزدا می دهد. در زبان فارسی سپند

اشوزرتشت در یسنای ۴۷ بند ۱، می فرماید: «کسی که در پرتو مینوی مقدس (سپننه مینو) و بهترین اندیشه (وهونه) گفتار و کردارش نیک و با راستی و درستی (اشه) هماهنگ باشد، مزدا اهورا با توانایی (خشش) و مهر خویش (سپننه آرمتشی) به او رسایی (هئوروتات) و جاودانی (امرات) خواهد بخشید». همانطور که دانیم در فرهنگ ایرانی عدد هفت مقدس است، هفتنت شست، هفت سین، هفت کشور و ... که شاید این مقدس بودن ریشه در هفت امشاسبندان در فرهنگ زرتشت داشته باشد. (امَشَهَسِپِنَتَهْ) شکل اولتایی امشاسبندان است و دو جزء دارد. (۱) حرف نفی (مسه) از ریشه مر به چم (معنی) مرگ، پس امشه به چم مرگ و جاودانی و (سپننه) به چم پاک و مقاس و بی آلایش، و مفهوم آن «بی مرگ مقدس» است که در جهان هستی هر یک نگهبان پدیده ای مادی هستند. می بینیم در این بند اشوزرتشت برای آشنا کردن مردم با اهورامزدا، از ۷ فروزه (پرتو یا صفت) بنیادی اهورامزدا به ترتیب اهمیت‌شان نام می برد و چنان نوید می دهد که هر کس ۵ فروزه نیک را در خود بیابد به ۲ فروزه رسایی و جاودانی خواهد رسید، که به ترتیب، عبارتنداز: سپننه مینو (خرد پاک)؛ سپتنه: پاک و نیک و مینیو: نیروی خرد و فهم، روی هم به معنی نیروی افزاینده نیکی، فروزه ای است که به انسان توانایی شناخت اهورامزدا می دهد. در زبان فارسی سپند

باور به سپنتمینو و انگره مینو و اختیار انسان در گزینش بین این دو بر پایه دانایی راشین چهانگیری

دشنه، گزینش و دو گزینه نیک و بد، مثلث زرین داد گری اهورامزدا می باشد.

بند سوم از هات ۳۰ گاتها، یکی از زیباترین و پر رمز و رازترین بند های این سروده اهورایی و اندیشه برانگیز اشوزرتشت پیامبر است. «آن دو گوهر که در آغاز همزاد (و در جهان) رویا پدیدار شدند، در اندیشه و گفتار و کردار، آن دو نیکی است و بدی و از این دو، دانا راستی را بر می گزیند نه نادان. هدف این بند، شناساندن بهترانس و سه بُعد در پایان نیز اشاره به ویژگی انسانی شده است که فلسفه و جوادی این دو پدیده را توجه می کند، یعنی نیروی گزینش. توانایی مزداده تا در سرنوشت خود آزادانه دست داشته، درست و راست (ارش) را بر گزیند یا نه. به نظر می رسد، گزینش درست (ارش)، همان انتخاب بهتر از میان دو مینو بر پایه ای قانون مینوی اشا و به یاری ابزاری کارآمد یعنی خوب دانستن (دانایی) یا هودانگه که اما رمزهای نهفته در این بند که ما را به شناخت مثلث زرین داد گری اهورامزدا رهمنون می شود؛ سخن از پدیده آمدن دو پدیده (پس خود نمی توانند پدیده آورند) یا پروردگار باشد) است که حقیقت شان مینوی (دو گوهر) واقعیت‌شان گذاری به قابلیت ویژه و اکتسابی برای آدمی، به نام دانایی می باشد. اما رمزهای نهفته در این بند که ما را به شناخت مثلث زرین داد گری اهورامزدا سخن از آغاز همزاد (در آغاز) و از یک سرچشمۀ همزاد (در آغاز) بوده و نام شان یکی نیک و پیدایش شان هم زمان (در آغاز) و از یک سرچشمۀ همزاد (در آغاز) است که داد و عدالت به راستی این چنین فروزه هایی است که به انسان آشکار شده و معنا می باید.

باور به برابری تمام انسانها

پروانه نمیرانیان

وی آزادی گزینش همسر را به هر دو داده است

(گاتها، هات ۵۳ بند های ۳۵).

آیین زرتشتی مردم را از هر رنگ، نژاد، ملیت و دینی که باشد برابر داشته و برتری هر کسی را در نیک تر بودن اندیشه، گفتار و کردار می داند.

کوروش بزرگ با پیروی از آموزش های اخلاقی و انسانی اشوزر شست نخستین منشور آزادی حقوق بشر را نوشت.

از دیدگاه اشوزر شست خداوند همه انسان هارا آزاد آفریده و آهار از بخشش آزادی و خرد برخوردار ساخته تا با بهره گیری از اندیشه خویش، دیدگاه های گوناگون را ارزیابی کند و با اختیار کامل بهترین راه را در زندگانی برگزینند.

چنانکه انسان ها از آزادی اندیشه و بیان برخوردارند، از حق آزادی در گزینش دین و آیین نیز بهره مند هستند. وقتی انسان ها از حقوقی مساوی برخوردار باشند، زن و مرد نیز در همه مراحل مادی و مینوی زندگی حقوقی برپارند.

البته به یاد داشته باشیم که داشتن حقوق برابر به معنای وظایف و مستولیت های برپار نیست چرا که زن و مرد در زندگی هر کدام مستولیت های ویژه خود را دراند که الزاماً باهم برپار نیست.

حال که ما پیروان چنین اندیشه های نایی هستیم،

بر ماست که با پیروی از آموزه های نخستین پیامبر یکتایی و به کار بستن آنها در زندگی، در گسترش اشوبی بکوشیم.

سرور قاراپورا ولا

پیشرفت کار جهان است.

تازه گردانی و نو کردن زندگانی و جهان مادی هدف و مقصد آفرینش

است . تلاش برای پیشرفت جهانی که در آن زندگی می کنیم ، کوشش برای آبادی دنیایمان و تکامل و رسایی پیش؛ زندگی خود را تغییر می دهد و آن را هدفمند ، با ارزش و شاد می کند .

اگر هر یک از ما نیز ، همچون اشوزر شست بخواهیم از کسانی شویم که زندگی را تازه می کنند ، آنگاه جهانی خواهیم داشت پر از شور زندگی ؛ جهانی که لحظه لحظه در حال نو شدن ، بهتر شدن و پیشرفت خواهد بود .

آن استوار است، هر موجودی که دارای ژئوم انسانی باشد، بشرطی می شود و از روی بشر بودن دارای حقوق و آزادی هایی است پس چون همه افراد بشر

در انسان بودن باهم برابر مستند، در بهره مندی از حقوق پسر و آزادی های بینایین نیز برابر خواهند

بود. از این روز دیدگاه نظام بین الملل حقوق پسر عواملی چون جنسیت، نژاد و مذهب نمی توانند دلیلی بر انکار برابری یا اعمال محدودیت بر آن باشند.

این نمونه ای از سخنای است که در دنیای امروز می شویم. و قدر خرسنادی می شویم هنگامی که می خوانیم:

ای مردم این حقیقت را به گوش هوش بشنود و با اندیشه ای روش و ژرف بینی آنها را بررسی کنید. هر مرد و زن راهنیک و بدرآخوند بگزینید، پیش از فرارسیدن روز و اپسین همه به پاخیزید و در گسترش آیین راستی بکوشید. هات ۳۰ بند ۲

و پسیار به خود می باییم که پیامربان اشوزر شست هزاران سال پیش از آزادی بین انسان ها (بدون توجه به نژاد، ملیت و قوم، زبان و رنگ پوست، دین و باور) سخن رانده است.

در گاتاهنگامی که اشوزر شست با مردم سخن می گوید و یانیک کرداران را می ستاید از زن و مرد در رفید برپار و با هم یاد می کند. به جز گاتاه، این موضوع را در برخی بخش های اوستایی می توان دید (برای نمونه: یستا هات ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹).

باور به فلسفه دگرخواهی و دستگیری از نیازمندان

میترا مرادپور

الهی است.

در ادامه بند آمده است: "... پروردگارا برای استوار ماندن به آین راستی از تو نیروی تن و روان را خواهستارم...".

نکه قابل توجه این است که توانایی مادی و مینوی با هم، که به وسیله اشا به دست آمده است سبب رسیدن به خوشبختی می شود. نه به هر طریقی توانایی هایی را کسب کنیم و آن را صرف دیگران کنیم. این جز خودنمایی و ریا کاری چیز دیگری نیست.

این توانایی باید در سایه راستی کسب شده باشد تا به بار نشیند.

"... ای آرمیتی، ای مظہر ایمان و محبت، آن پرتو ایزدی که پاداش زندگانی سراسر

نیک منشی است به من ارزانی دار".

و در نهایت با یاری آرمیتی و کامل اندیشه مقدس و در سایه نیک اندیشه است که پاداش نور ایزدی و ضمیر روشن برای انسان میسر می شود.

در این بند از گاهان از فعل های تمنایی و دعایی استفاده شده است. مزدا اهورا (دیانت) (بیخاید) یا "وسمی (خواستارم)" که رویکرد انسان را در آنجام کارهای نیک نشان می دهد و در راستای خواست خداوند یاری جستن از او میسر می شود.

از خداوند هرو سپ توان خواستار توانایی بخشش و خوشبخت کردن دیگران هستیم.

مزدا اهورایی که فرمانروای مطلق است چنین مقرر فرموده: خوشبختی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد. پروردگارا برای استوار ماندن به آین راستی از تو نیروی تن و روان را خواهستارم. ای آرمیتی، ای مظہر ایمان و محبت، آن پرتو ایزدی که پاداش

زندگانی سراسر نیک منشی است به من ارزانی دار".

یکی از زیباترین و گویاترین بند های گاهان، بند ۱ از هات ۴۴ است.

اشتود گات، بخش دوم از پنج بخش گاهان با واژه اشتود آغاز می شود که از "آرزو شده و مطلوب" گرفته شده و همان خوشبختی است؛ آن چیزی که همگان به دنبال آن هستند.

بارها شنیده ایم که "آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگران نیز می پسند"، اما اشوزر شست فراتر از این سفارش می کند، نتها زیان و آسیب به دیگران نرسان بلکه برای خوشبختی آنها نیز سعی و کوشش کن.

مزدا اهورا که فرمانروای مطلق است مقرر فرموده: خوشبختی برای اوست (که) از سوی او خوشبختی به دیگران رسد ...".

سبب شاد و خوشبختی دیگران شدن، شادی و خوشبختی را برای خود انسان نیز به همراه می آورد. به راستی خوشبختی حقيقة کمک به همنوع و خوشبخت ساختن دیگران است. این قانون تغییر ناپذیر

باور به فرشکرد یا تازه گردانیدن جهان

آن هستیم و تن دادن به سرنوشت ، زندگی را همچون مردابی می کند که خود نیز از دیدنش ناخشنود می شویم .

اشوزر شست تازه شدن زندگی را فقط برای خود نمی خواهد بلکه می خواهد در پرتو اش، جهان را به سوی تکامل و آبادی پیش برد .

اشوزر شست در گاهان به ما می آموزد که باید برای پیشرفت و آبادانی جهان تلاش و کوشش کنیم و خواست اهورامزدا که همانا پیشرفت پسر به سوی کمال ، رسایی ، خرمی و آبادانی است را برآورده سازیم . پیام اشوزر شست تازه شدن است و گاتها برای

کردن زندگی ؛ تغییر زندگی ، حرکت به سوی جلو و پیشرفت زندگی است. زندگی را هستی بخشن بزرگ ، بشود که در پرتو اشا از یاری تو برخوردار گردیم ؛ تا زمانی که ما دستخوش بدگمانی و دودلی هستیم، اندیشه و قلب ما یکارچه به تو توجه پیدا کند. اهنو دگات ، هات ۳۰ بند ۹

این بند از گاهان را بارها شنیده ایم و قسمت نخست این بند کاملاً برایمان آشناست . این

بندر بردارنده یکی از آرزو های اشوزر شست است .

تازه کردن زندگی، آرزویی است که اشوزر شست بارها از مزدا اهورا در خواست می کند . تازه

خواستاریم از کسانی شویم که زندگی را تازه کنند . ای خداوند جان و خرد و ای

هستی بخشن بزرگ ، بشود که در پرتو اشا از یاری تو برخوردار گردیم ؛ تا زمانی که ما با ازیزش است که در آن همه نیرو های انسانی در هنر ، نوآوری و شادی به کار می افتد تا جنب و جوش ، کوشش و پویش همه جا را فرا گیرد .

همه دیده ایم کسانی که زندگی یکنواخت و راکد و بدون تغیری دارند ، شاد و سرزنده نیستند . اگر در زندگی تلاشی برای تغیر و بهتر شدن نباشد ، تمام قسمت های زندگی می پرسد . راضی شدن به شرایطی که در

به این پاداش جاودانی و یا پادافراه رنج پایا، سخن به میان می آورد.

اشوزر شست باور دارد که سود جاودانی برای خواستارانی است که در این زندگی همت کرده و خود را برای آن آماده می گرداند

و خواستار بودن و همت داشتن را از عامل های دستیابی به آن برمی شمرد . چنان که حافظ نیز در وصف چنین همت و اراده ای

می سراید: طفیل هستی عشقند آدمی و پری ارادتی بمناسبت سعادتی ببری

و یاده راتان بود همت عالی حافظ

طالب چشمی خورشید در خشان نشود

از سوی دیگر، برای روان و پاداش و پادافراهش هیچ زمانی بیان نمی گردد . از این

روان در آغاز جاودانی تصور می کشد؛ پایه ای جاودانی

در آغاز جاودانی سخن می گوید که همگان در زندگی، آن را در خداوند و یکی شدن با او می کاوند و سپس از روان و دستیابی آن

باور به جاودانگی روان و جهان مینو

پریا ماؤندی

سی سال از زمانی که بر ما حکم فرماست، روان به هر روی پاک شده و به اصل خود بازمی گردد و چنان که در اسطوره های

زرتشتی نیز آمده، سرانجام سراسر هستی نیکو

می شود؛ مسلم است که تعییر ناپاکی روان به پاکی، وابسته به گذشت زمان نیست چرا

که بر جهان میان اشها به کار می برد و زمان این جهان حکم فرماید .

آن را در مقیاس زمانمان بیان داشته ایم .

با دقت به بیت پایانی، به تاظری میان

دانایی بزرگ بودن خداوند با داشت بهره

گیری اش از خشنا در آفرینش اش و نیز

تاظری میان اشها بخش از قانون اش را نیز با بهره

می برمیم .

در این قسمت از خشنا و نیروی شهریاری

دانایی بزرگ یاد می گردد که هستی

بخش این بخش از قانون اش را نیز با بهره

گیری از آن بیافرید .

روان چه در این زندگی و چه پس از مرگ در برای کردار مسئول و پاسخگو است و این بخشی از قانون اش است .

اشوزر شست باشد و پریزدگار با رنجی پایا به سر خواهد

برد . اشوزر شست و ازه را برای روان کاروازی اش و زمان بودن را برای روان کاروازی سازیم .

همراهان قانون اش را به کار می برد در حالی که برای رنج روان دروغگاران، و ازه را

و پارچه را بیان می دارد نه جاودان . و اکنون

پرسش اینجاست که تفاوت میان جاودانی و پایداری چیست؟ شاید توجه به این نکته

خالی از لطف نیاشد که ثبات و پایداری با

تعییر شرایط، قابل دگرگونی است در حالی

که جاودان و بی زمان بودن، غیرقابل تعییر

است و شاید این تفاوت و ازگان، استدلال پیشینانمان در برگاری سی سال مرا سام

در گذشته را شفاف تر سازد .

آن بر این باور بودند که پس از گذشت

به این پاداش جاودانی و یا پادافراه رنج پایا، سخن به میان می آورد.

اشوزر شست باور دارد که سود جاودانی برای

خواستارانی است که در این زندگی همت کرده و خود را برای آن آماده می گرداند

و خواستار بودن و همت داشتن را از عامل های دستیابی به آن برمی شمرد . چنان که حافظ

می سراید: طفیل هستی عشقند آدمی و پری

ارادتی بمناسبت سعادتی ببری و

و یاده راتان بود همت عالی حافظ

طالب چشمی خورشید در خشان نشود

از سوی دیگر، برای روان و پاداش و پادافراهش هیچ زمانی بیان نمی گردد . از این

روان در آغاز جاودانی تصور می کشد؛ پایه ای جاودانی

در آغاز بند اشوزر شست از رستگاری، سعادت

و سودی جاودانی سخن می گوید که همگان

در زندگی، آن را در خداوند و یکی شدن با

او می کاوند و سپس از روان و دستیابی آن

اند، احساس رضایت می کند.

اندیشه های اشوزرتشت از زبان نام آوردان

مهدداد قدردان پژوهشگر دینی

آموزه اشوزرتشت در مورد اشا و فرشه را همچون دو بالی می داند که باعث پیشرفت انسان می شود و به نوعی پیشوای انسان است. اساس جهان بر پایه نظم و راستی بنا نهاده شده است و این آموزهای است که برای نخستین بار به وسیله اشوزرتشت بیان شد و پس از او هم کسی توانسته چیزی به آن بیفرازید. تازه گردانیدن جهان هم یکی دیگر از آموزه های بالارزشی است که اگر بتوانیم همراه با اشا در زندگی خود به کار بريم، سیار با ارزش خواهد بود. او می گوید «من چند مورد از یام های اشوزرتشت را سیار ارزشمند می دانم، نخست آموزه او در مورد بهشت و دوزخ است و اینکه بهشت و دوزخ همواره با ماست و این که من وجودی ما نابود نمی شود و در این دنیا و در دنیای دیگر همراه با ماست. دوم طرح مسئله و همون است، اینکه ما با اندیشه نیک که خدا می رسیم تا جایی که حتی در گاتها جایگاه اندیشه از اشا هم بالاتر است. سوم اینکه خداوندی که اشوزرتشت به پیروان خود معرفی می کند، دوست و همراه انسانهای است و همه می توانند به او نزدیک شوند و او را احساس کنند». قدردان هات ۴۳ بند ۱ را شاه بیت غزل های آسمانی اشوزرتشت می داند.

هندس بهمود خسروی عضو کمیته فنی زیارتگاه‌ها، از اینکه همیشه در زندگی تلاش کرده است تا زرتشتی واقعی باشد، سخن می‌گوید و از اینکه از سالها قبل به دنبال درک درستی از قانون اشا بوده است تا بتواند با برداشتی صحیح از آموزه‌های اشوزرتشت، راه درستی را در زندگی در پیش بگیرد. او می‌گوید: «فکر می‌کنم اکنون که تاحدودی این بیانها را درک کرده ام، زندگی ام از نوشروع شده و می‌توانم تأثیرات مثبت آنرا در زندگی شخصی و اجتماعی خود بیشم». به نظر وی تأثیرگذارترین سخن اشوزرتشت بند اول از هات ۴۳ گاهان است. او درباره درک جوانان از این آموزه‌ها گفت: «با اینکه ناراستی و کثری در جامعه بزرگ امروزی ریشه‌دارتر شده و با سرعت زیادی رو به افزایش است ولی جوانان زرتشتی به درستی تلاش می‌کنند تا نسبت به دیگران از این ناراستی کمترین صدمه را بیینند، با اینکه نمی‌توان بطور یقین گفت که ما در این گردداب اسری نیستیم ولی ظاهرا با آن سرعت جامعه بیرونی هم در حال سقوط نیستیم».

﴿ فریدون کاویانی صنعتگر، آموزه‌های دینی را در پیشرفت و رشد خود کاملاً اثرگذار تعریف می‌کند و می‌گوید: «اگر کلیات دین بهی را که اندیشه، گفتار و کرداری‌کیک است متمایز نمایم، این بند از کاتها که می‌فرماید «بهترین گفته هارا با گوش جان بشنوید و با اندیشه روشن بدان بنگرید پس هر مرد وزن از میان شما واز بین راه نیکی و بدی، یکی را برگزیند» شاخص تربیت سخن در الگوی دینی من بوده است زیرا من را به علمای دین محدود نکرد و به من این امکان را داد که سخنان برگزیده تمام بزرگان را بشنویم و با نگرشی روشن، درجهت زندگی صحیح به کار برم». وی با اشاره به این که جوانان امروز کمتر به آموزه‌های زرتشتی توجه دارند، دلیل آن را حضور بیشتر جوانان در جامعه کشوری و در درجه دوم در جامعه دینی دانست و پیشنهاد داد که جلسات بیشتری در رابطه با تحلیل آموزه‌های زرتشت و کنکاش در جهت درک مفاهیم دینی ترتیب داده شود. او سخن خود را اینگونه به پایان برد که «ریشه ما در دین زرتشتی و در این خاک تنبیه و تغذیه شده است، پس اگر حاصلی می‌دهد، این میوه باید بر روی همه: خاک سپند!».

مودد دکتر اردشیر خورشیدیان، رئیس انجمن موبدان معتقد است موثرترین آموزه اشوزر تشت این است که به ما می‌فهماند انسان دارای خرد وجودان است. او این پیام اشوزر تشت را بسیار تاثیرگذار می‌داند که بدانیم در زمان شناخت به علوم عقلی تکیه کنیم و در جهان خود نهادینه کرد، پیامی سیار اوزشمند عمل نماییم.

و سرشار از امید با خود دارد. دکتر نمیرایانی
بار دیگر بر این حقیقت تاکید می کند که پیام
معروف اشوزر تشت را که «خوشبختی از آن
کسی است که خواهان خوشبختی دیگران
باشد»، امروزه در روانشناسی به نام قانون
طلایی می شناسند؛ بهترین راهگشای انسان
ها این است که آنچه را دوست داری برای
دیگران هم دوست داشته باش و اگر چیزی را
برای خود نمی پسندی برای دیگران هم نپسند.
دکتر آریتا آذرکیوان، فوق تخصص
خون، می گوید: «اندیشه نیک، گفتار نیک و
کذب نیک، ثابتگار است؛ راه شمشاد، تشتی داده
وی با ارزش ترین پیام اشوزر تشت را که سالهای است
اندیشه او را به خود مشغول ساخته، بند دوم از
های ۳۰ گاتها می داند که «ای مردم بهترین
سخنان را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه
روشن و زرف بینی آنها ابررسی کنید هر مردو
زن راه نیک و بد را شخصاً بر گزینید». در این پیام
نکات سیاری نهفته است، نخست اینکه انسان
دارای اندیشه است. دوم اینکه اندیشه را باید
روشن کرد. سوم اینکه هر زن و مرد در انتخاب
آزاد است و چهارم اینکه هیچ کس حق نادرد
با تفسیر و برداشت های شخصی اندیشه های
اشوزر تشت را تفسیر و به نام دین به دیگران
تحسیا کند.

زندگی من و خانواده ام بوده است؛ و سالهای است که این شعر در ذهن نقش بسته که: زرزشت آموز پندهار نیک هم آموز گفارو و کردار نیک سخن شکل گیرد ز پندهار تو کند نقش آن را به کردار تو گراز ذهن آغاز هر فتهای پاک شد همه پیامهای اشوزر تشت بعد جهانی دارد اما تعریف واژه دین در کاتها در جهان بی نظر است. اگر روزی همه مردم جهان بفهمند که دین همان وجودان است و جز وجودان و اخلاق و انسانیت هیچ چیز دیگر نیست، آنگاه می توان امید داشت که همه مردم جهان دیندار شوند و با وجودان بیدار در کنار هم زندگی کنند.

● **توران بهرامی حقوقدان و شاعر**
می گوید: «درست است که بیشتر مردم اندیشه نیک و گفخار نیک و کردانیک را سه اصل دین زرتشت می دانند ولی با یاد توجه داشت که این سه اصل برایه راستی استوار شده است و اگر راستی وجود نداشته باشد این سه اصل نیز وجود نخواهد داشت. البته در کنار آنها باید به خرد نیز اشاره داشت. دنیای امروزه با خرد سو و کار دارد و با توجه به اصل تکنولوژی و اینترنت این جهان به یک دهکده کوچک تبدیل شده است.

مهندس رستم آبادیان رئیس پیشین انجمن زرتشیان تهران، می‌گوید: من همیشه در زندگی تلاش کرده‌ام که هیچ گاه صداقت و پاکی را فراموش نکنم و فکر می‌کنم درست استفاده می‌کنند، راستی و درستی را زیر فراموش نکنند. او بر نقش آموزش در تفہیم آموزه‌های اشوز رتشت به جوانان و آشنازی آنان با راستی تأکید کرد.

﴿مهدنس سیروس خسروی، نیز جمله خوشبختی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد﴾، یکی از تاثیرگذارترین پیام‌های اشورتاشت می‌داند که در زندگی وی و نگاهش به زندگی بسیار موثر بوده است. وی با ارزش ترین پیام اشورتاشت را بند ۱۱ از هات ۷۲ سیاست‌پردازی کرد که «راه در جهان یکی است و آن راه راستی است» و همچنین این جمله که «ای خداوند خرد بشود مانیز چون یاران راستین تو از کسانی شویم که جهان را تازه می‌گردانند». وی با یادی از روانش خداداد خنجری، از کتاب از شتمد و به نام بنیت، تنشت باد مر کند که دهنده.

✿ **میترا شش برادران (خنجری)**, همسر روانشاد خداداد خنجری از همسر خود به عنوان آموزگار و راهنمای خود باد می کند که همواره بر اساس راستی و درستی رفتار می کرد. او فروتنانه می گوید: «اگر من اکنون احساس رضایت دارم به دلیل آن است که در کنار ایشان در سیزده راستی قرار گرفتم و گزنه در زندگی به جز وظایف مادرانه کار خاصی انجام نداده ام؛ در واقع بودن ایشان باعث شد تا هم من و هم فرزندانم تا جایی که می توانستیم در راه راستی حرکت کنیم». او از اینکه افراد جامعه که خداداد و خانواده ای را می شاختند بدست کارهای نیک او، ابه آنان بازگردانده پاسخ به این پرسش که کدام پیام زرتشت بعد از جهانی دارد، پرسشی دیگر را مطرح می کند: ابه نظر شما کدام یک از پیامهای اشورتاشت بعد از جهانی ندارد و در راستای خوبیخواهی انسان ها نیست؟ به اعتقاد من تمامی پیامهای اشورتاشت در گاهان راهی است به سوی خوبیخواهی تمام انسان ها».

کدام یک از آموزه‌های ارزشمند اشوزر تشت را بیش از همه در زندگی خود به کار گرفته‌اید و آن را سبب موفقیت خود می‌دانید؟ به نظر شما کدام آموزه اشوزر تشت پیامی جهانی برای شادمانی و خوشبختی همه مردمان دربردارد؟ جوانان زرتشتی را چگونه اندرز می‌دهید و...؟ اینها پرسش‌هایی بودند که با تعدادی از همکیشان نام‌آشنای زرتشتی در میان گذاشتیم تا از شعله‌ای که ایشان در راه زندگی خود افروخته‌اند ما هم شمعی بیفرورزیم، روشنی بخش راه خود.

• موبد مهربان فیروزگوی، آموزه اامشاسبنده را تاثیر گذارترین پیام اشویز رتشت در زندگی انسان های داند.

وی ادame می دهد **اهماطور** که استور نیست
هم در کاتها می گوید راستی مهم ترین پیامی
است که باید در زندگی به کار بریم و مهم تر
اینکه با خودمان روبراست باشیم. امشاسبیندان
ایده آله را بیان می کنند و قرار نیست همه ما
ایده آل باشیم، خیلی وقت ها چون نمی توانیم
ایده آل باشیم هیچ کاری نمی کنیم. به طور
مثال امشاسبین خورداد بیان گر کمال یا رسایی
است و شاید ما نتوانیم به آن برسیم اما باید
بدانیم خورداد در کنار آبادانی و سرسیزی
آمده است، پس هر کس که باعث آباد
کردن جهان یا حتی کاشتن یک درخت شود
در مسیر رسایی گام برداشته و همین بسیار با
انش انتقام بگیرد

از رس است. بار هم می توانیم با بردازه این پیام را در زندگی اردیبهشت امشابی پیدا کنیم. اینکه به داد اشا راه پوییم و راستی و پاکی پیشه کیم، آنگاه می توان توصیه کردن که به متش نیک مند، به گوشش نیک گویید، به کنش نیک ورزید، با همیگر یکدل و یکزان بوده و از دروغ و سوگند و فریب دوری کنید.

اشوزر تشت در هات ۴۳ بند ۱ می فرماید: «خوشبختی از آن کسی است که خواهان خوب شریعه دیگران باشد»، به نظر من این پیام یک الگوی جهانی است. اشوزر تشت، خوشبختی را با واژه «اوشتا» بیان کرده است و اوستا یعنی روشی درونی، همان واژه ای که در اسم و هو هم به کار رفته است، اگر همه مایه جایی برسم که بتوانیم درون خود را بینیم و به روشی درونی دست یابیم، آنگاه خوشبخت واقعی هستیم».

دکتر کنایون مزداپور استاد فرهنگ و زبان ایران باستان، این سخن پیامبر که همواره در بخش‌های مختلف گاتها می‌پرسد «ای راستی چه وقت به تو خواهم رسید» از تاثیرگذارترین پیام‌های اشوزرتشت است و مهم را اینکه بدانیم رسیدن به راستی اتفاق نمی‌افتد مگر با سعی و تلاش فراوان، سعی و کوشش برای دست یافتن به اشا. به نظر وی، «شادی» دیگر پیام بسیار مهم اشوزرتشت است. اشوزرتشت در مقام یک پیامبر به شادی انسانها بسیار اهمیت می‌دهد و ممین امر او را از دیگران

متیاز و مقاومت می کند.
در کار تلاش برای دست یافتن به راستی و
حقیقت، تلاش دسته جمعی برای درک حقایق
بسیار سیار مهم است. شاید در قدیم این امکان
وجود نداشت ولی امروزه به راحتی می توان
برای این تلاش دسته جمعی برنامه ریزی کرد.
او می گوید «البته بدیهی است که تمامی پیامهای
اشورت شست بعد جهانی دارد آخرین بار که به
دیدار دستور رسم در اهواز رفته بودم حرفی
بسیار تاثیرگذار زد که هیچگاه از یاد نمی برم؛
او گفت: «امروز ما پیامهای اشورت شست را از
دیگران می شنیم و این یعنی همه گیر شدن
پیام اشورت شست». واقعاً اینچنین است و جای
خوشحالی دارد که پایداری و تلاش نیاکنان
د. حفظ این سام به یار نشته است.